



بیماری هلندی در ایران؟

اشاره: اخیراً مرکز پژوهش‌های مجلس گزارشی را تحت عنوان «مباحثی در خصوص استفاده از درآمدهای نفتی» منتشر نموده که در آن تلاش کرده تا در پاسخ به منکران وجود بیماری هلندی در ایران علائم وجود این عارضه را برشمرد. از آنجا که این بیماری دارای عوارض بسیار زیادی بوده و به ساختارهای اقتصادی کشور لطمات جدی می‌زند در بخش تحقیقات این شماره بخشی از این گزارش که به علائم وجود این بیماری در ایران پرداخته را می‌آوریم.

مقدمه:

بیماری هلندی زمانی رخ می‌دهد که کشف منابع طبیعی (یا جریان ورودی عظیمی از ارز خارجی) به رونق صادرات و تقویت پول کشور منجر شود و رقابت‌پذیری کالاهای کشاورزی و صنعتی کشور را به صورت زیانباری تحت تأثیر قرار دهد. رونق در یک بخش از کالاهای قابل تجارت به افزایش درآمدهای ملی منجر می‌شود و همچنانکه پول خارجی بیشتری به کشور وارد می‌شود به دلیل ترکیبی از تقویت واقعی پول و افزایش هزینه‌های تولید، به کوچک شدن سایر بخش‌های قابل تجارت (معروف به بخش قابل

تجارت عقب مانده) منجر می‌شود که اثر متضاد کاهش صادرات در سایر بخش‌ها و افزایش واردات را به همراه دارد. به علاوه، منابع (معمولاً سرمایه) برای برآورده کردن تقاضای داخلی در حال رشد به تولید کالاهای غیرقابل تجارت داخلی انتقال می‌یابند و بدین ترتیب تولید در بخش قابل تجارت بیشتر تضعیف می‌کند.

مبانی بیماری هلندی

در بیماری هلندی، آثار منفی افزایش صادرات یک کالا بر بخش‌های صادراتی سنتی (بخش‌های قابل تجارت) مدنظر قرار می‌گیرد. بخشی از درآمدهای افزایش صادرات یک کالا، در کالاهای غیرقابل تجارت هزینه می‌شود که به افزایش ارزش نرخ واقعی ارز منجر می‌شود. در مرحله بعد منابع از بخش قابل تجارت به بخش غیرقابل تجارت انتقال می‌یابد. این فرایند دو مرحله‌ای، سازوکار اثر بیماری هلندی است. این اثر در ادبیات بیماری هلندی «اثر مخارج» نامیده می‌شود. این اثر که می‌توان آن را در چارچوب مدل تعادل عمومی بررسی کرد، نگرانی مهم کشورهای در حال توسعه است، زیرا آن‌ها باید فرایند توسعه را از طریق بسط بخش‌های قابل تجارت به پیش ببرند. بنابراین اقتصادی که به این شکل رونق گرفته است با یک معضل غیرمنتظره مواجه

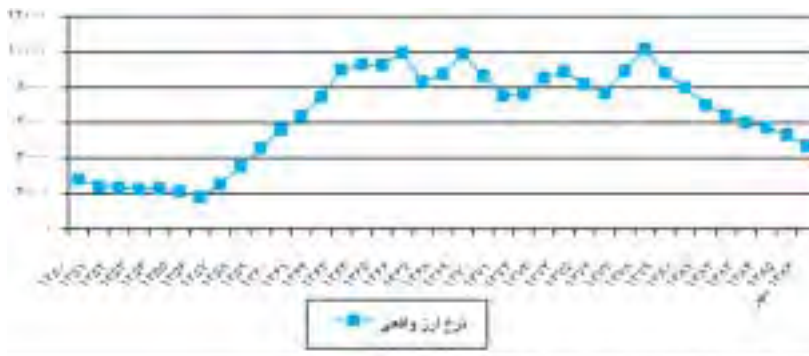
کاهش یافتند، در حالی که سهم نفت به حدود نیمی از GDP رسید. در واقع، در نتیجه افزایش جریان سرمایه به بخش نفت، سهم بخش های کشاورزی و معدن در سال های ۱۹۶۰ تا ۲۰۰۰ کاهش یافت. در مجموع، رونق نفتی علت کاهش قابل توجه بخش غیرنفتی بود، بدین صورت که رونق نفتی به افزایش هزینه های دستمزد در اقتصاد و تضعیف بیشتر رقابت پذیری سایر بخش ها منجر شد.

بیماری هلندی در ایران بر مبنای نرخ ارز واقعی

نمودار ۱ نرخ ارز واقعی ایران در دوره ۱۳۸۵-۱۳۵۰ را نشان می دهد. برای محاسبه نرخ ارز واقعی از نرخ ارز (دلار) اسمی بازار غیررسمی، شاخص قیمت کالاهای مصرفی شهری (GPI) ایران و شاخص قیمت کالاهای مصرفی شهری (GPI) آمریکا استفاده شده است. همچنانکه نمودار نیز نشان می دهد طی سال های ۱۳۵۰ تا ۱۳۵۶ نرخ ارز واقعی نزولی است که به معنای تقویت واقعی پول و کاهش رقابت پذیری اقتصادی است. در سال های ۱۳۵۷ تا ۱۳۶۴ نرخ ارز واقعی در حال افزایش است، از سال ۱۳۶۴ تا سال ۱۳۷۸ حول خطی افقی (کم شیب) نوسان می کند و از سال ۱۳۷۸ تا کنون با افزایش قیمت نفت، نرخ ارز واقعی به سرعت در حال کاهش است، به عبارت دیگر ارزش واقعی پول تقویت شده و سطح رقابت پذیری تولیدکنندگان داخلی در حال کاهش است.

در نمودار ۲ نرخ ارز واقعی ایران در دوره ۱۳۸۵-۱۳۵۹ همراه با قیمت نفت سبک و سنگین ایران رسم شده است. همان طور که مشاهده می شود تا سال ۱۳۶۵ که قیمت نفت در حال کاهش است نرخ ارز واقعی در حال افزایش است، اما از سال ۱۳۶۵ تا سال ۱۳۷۸ که قیمت نفت حول خطی افقی (کم شیب) نوسان می کند نرخ ارز واقعی نیز در حول خط افقی (کم شیب) در حال نوسان است، ولی از سال

نمودار ۱- روند نرخ ارز واقعی در ایران



سازمان اطلاعات بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران و آدرس اینترنتی: <http://www.tbil.gov.ir/infocentral/infocentral.aspx> برای CPI آمریکا

می شود: افزایش انفجاری در درآمدها توسعه اقتصادی را تقویت می کند، در حالی که این درآمدها علت رکود اقتصادی از طریق تخریب بخش های قابل تجارت هستند. با توجه به کساد ایجاد شده در بخش قابل تجارت، افزایش انفجاری در صادرات یک کالا آمیزه ای از خوب و بد برای کشورهای در حال توسعه است.

بحث کلاسیک بیماری های هلندی بر تخصیص مجدد بخش منابع حاصل از جریانات ورودی عظیم تراز پرداخت ها در بلندمدت تمرکز دارد. نرخ ارز واقعی نقشی کلیدی در این فرایند ایفا می کند. مدل کلاسیک بیماری هلندی از سه بخش نفت، کالاهای قابل تجارت غیرنفتی و کالاهای غیرقابل تجارت، بخش های کالاهای قابل تجارت سنتی را از گردونه خارج می کنند. این ادبیات دو کانال اثر مخارج و اثر حرکت منابع را شناسایی می کند که از طریق آن ها رونق در بخش نفت می تواند سایر بخش های قابل تجارت اقتصاد را تحت تأثیر منفی قرار دهد:

اثر مخارج: مشابه مدل دو بخشی کلان است. اگر ثروت نفت در خارج از کشور پس انداز نشود و به صورت مستقیم یا غیرمستقیم از طریق کانال های مالی صرف کالاهای غیرقابل تجارت شود، قیمت این کالاها نسبت به کالاهای قابل تجارت افزایش می یابد و نرخ ارز واقعی تقویت خواهد شد که به رقابت پذیری بخش قابل تجارت سنتی آسیب خواهد رساند به طوری که سهم این بخش کاهش خواهد یافت.

کانال دومی که از طریق آن بخش نفت می تواند بخش کالاهای قابل تجارت غیرنفتی را از گردونه خارج کند، اثر حرکت منابع است. همچنانکه دستمزدها در بخش های رونق گرفته افزایش می یابد، آن ها کارگران را از سایر بخش های اقتصاد جذب کرده و بنابراین منابع بخش قابل تجارت سنتی را تقلیل داده و سبب کاهش تولید می شوند.

گابن (یک کشور آفریقایی و عضو سابق اوپک) نمونه بارزی از بیماری هلندی در آفریقا و همچنین یک مثال از بی انضباطی مالی حاصل از رونق نفتی است. در سال ۱۹۷۰، قبل از رونق شدید نفتی، صنعت (معدن) بیش از ۳۰ درصد تولید ناخالص داخلی به قیمت های جاری، کشاورزی ۱۸ درصد و نفت فقط حدود ۲۶ درصد GDP را تشکیل می دادند. اما تا سال ۱۹۹۰، سهم کشاورزی به ۷ درصد و سهم معدن به ۵ درصد GDP

نمودار ۲ - روند نرخ ارز واقعی و قیمت نفت ایران



مأخذ: بانک اطلاعات بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران و آبریس اینترنتی
 برای CPI آمریکا: <http://hp.bls.gov/pub/special.requests/cpi/cpiatxt>
 توضیح: ارقام نرخ ارز واقعی در محور عمودی سمت راست آمده است.

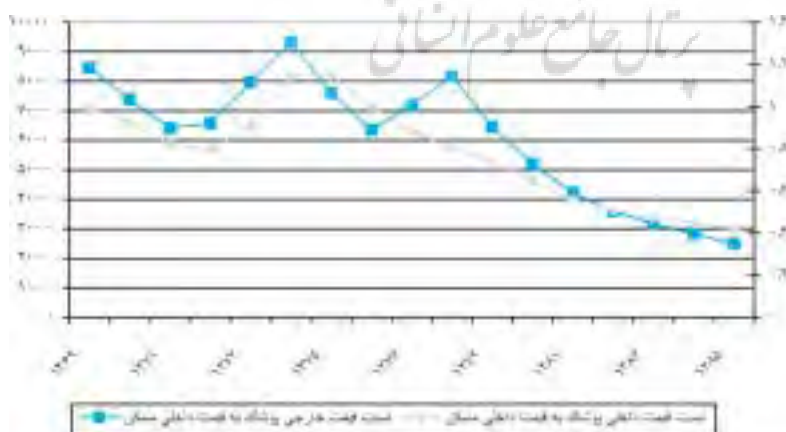
این نمودار روند نسبت قیمت داخلی پوشاک به قیمت داخلی مسکن و روند قیمت خارجی پوشاک در نرخ ارز به قیمت داخلی مسکن، روند نرخ ارز واقعی بر اساس تعریف دوم نرخ ارز واقعی را نشان می‌دهند. روند نرخ ارز واقعی بر اساس این تعریف نیز در حال کاهش است که به معنای تقویت واقعی پول و کاهش رقابت پذیری تولیدکنندگان داخلی است.

از آنجاکه مخرج فرمول دو روند در نمودار ۳ برابر هستند، تفاوت آن‌ها ناشی از وقفه تطابق قیمت بین المللی با قیمت های داخلی ۶ و تفاوت قیمت پوشاک در ایران و آمریکا می‌تواند به دلیل هزینه های حمل و نقل بین المللی، بیمه و باشد.

نمودار ۴ رشد شاخص قیمت کالاهای قابل تجارت (کالا)، رشد شاخص قیمت کالاهای غیر قابل تجارت (خدمات و مسکن) و رشد قیمت کالاهای قابل تجارت (پوشاک) را نشان می‌دهد. همان‌طور که در نمودار ملاحظه می‌شود رشد قیمت کالاهای غیر قابل تجارت، به جز در سال های ۱۳۷۳ و ۱۳۷۴، بیش از رشد قیمت کالاهای قابل تجارت بوده است که نشان دهنده روند کاهشی رقابت پذیری کالاهای قابل تجارت است (همچنین در میان کالاهای قابل تجارت، روند رشد قیمت کالاهای گروه پوشاک به جز در سال های ۱۳۷۴ و ۱۳۷۵ کمترین بوده است که

۱۳۷۸ که قیمت نفت ایران در حال افزایش است، نرخ ارز واقعی نیز در حال کاهش است که به معنای واقعی تقویت پول و کاهش رقابت پذیری اقتصاد است. ضریب همبستگی میزان نرخ ارز واقعی ایران و قیمت نفت ایران ۰/۷- است که نشان دهنده ارتباط منفی قوی میان این دو متغیر است. بررسی دقیق تر ارتباط بین نرخ ارز واقعی و قیمت نفت ایران نشان می‌دهد که نوسان قیمت نرخ ارز واقعی با یک وقفه با نوسان قیمت نفت هماهنگ است. این وقفه از آنجا ناشی می‌شود که تأثیر افزایش قیمت ابتدا بر بودجه و بعد بر تقاضا برای کالاها و خدمات و قیمت‌ها صورت می‌گیرد بنابراین اثر آن همراه با

نمودار ۳ - روند نرخ ارز واقعی بر اساس تعریف دوم (نسبت قیمت کالاهای قابل تجارت به غیر قابل تجارت)



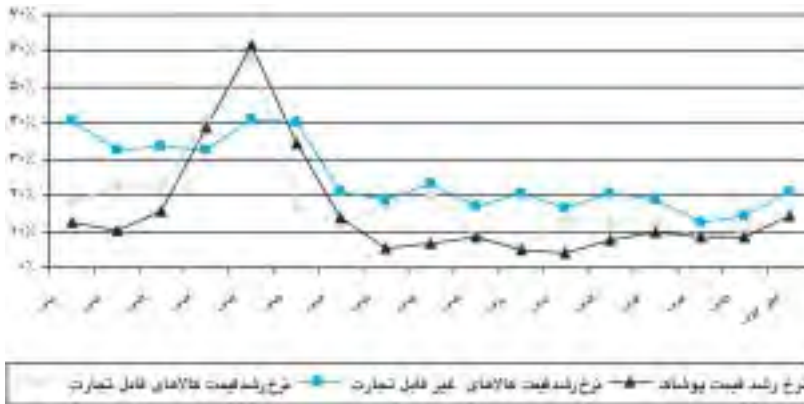
مأخذ: بانک اطلاعات بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران و آبریس اینترنتی <http://www.bls.gov> برای شاخص قیمت پوشاک در آمریکا

توضیح: ارقام نسبت قیمت داخلی پوشاک به قیمت داخلی مسکن در محور عمودی سمت راست آمده است.

تأخیر است. ضریب همبستگی بین نرخ ارز واقعی ایران و قیمت نفت ایران با یک وقفه برابر ۰/۷۳- است.

نمودار ۳ نرخ ارز واقعی بر اساس تعریف کالاهای قابل تجارت به قیمت کالاهای غیر قابل تجارت را نشان می‌دهد. برای قیمت داخلی کالاهای قابل تجارت از شاخص قیمت پوشاک در ایران و برای قیمت خارجی کالاهای قابل تجارت از شاخص قیمت پوشاک در آمریکا و برای قیمت داخلی کالاهای غیر قابل تجارت از شاخص قیمت مسکن در ایران استفاده شده است. در

نمودار ۴ - نرخ رشد شاخص قیمت کالاهای مختلف در اقتصاد ایران



شرایط اسف بار صنعت نساجی کشور ۷ را توضیح می دهد). به عبارت دیگر پدیده بیماری هلندی قدرت رقابت پذیری اقتصاد کشور را به طور کلی کاهش داده و اثر این بیماری در صنعت نساجی به مراتب شدیدتر است.

سایر علائم بیماری هلندی در ایران

الف) همبستگی نسبت ارزش افزوده

جاری بخش های اقتصاد و نسبت ارزش افزوده جاری بخش نفت به تولید ناخالص داخلی

یکی از معیارهایی که می تواند نشان دهد اقتصاد در معرض بیماری هلندی قرار دارد، همبستگی نسبت ارزش افزوده جاری بخش های اقتصاد به تولید ناخالص داخلی و نسبت ارزش افزوده جاری بخش نفت است. در واقع این شاخص می تواند نشان دهد که منابع از درون بخش قابل تجارت خارج شده و به بخش غیر قابل تجارت انتقال می یابد. افزایش قیمت و مقدار تولید نفت سهم ارزش افزوده جاری بخش نفت را افزایش داده و از طرف دیگر سهم ارزش افزوده جاری بخش های کشاورزی و صنعت را کاهش و سهم ارزش افزوده جاری بخش ساختمان را افزایش می دهد. به عبارت دیگر رونق بخش نفت منجر به کساد بخش کشاورزی و صنعت و رونق بخش ساختمان می شود.

جدول ۲ ضرایب همبستگی میان سهم ارزش افزوده بخش های مختلف و سهم ارزش افزوده بخش نفت را نشان می دهد. همان طور که در جدول نیز مشاهده می شود همه ضرایب همبستگی طبق نظریه بیماری هلندی هستند. به عبارت دیگر افزایش سهم ارزش افزوده بخش نفت سبب رونق بخش غیر قابل تجارت و رکود بخش های غیر قابل تجارت می شود. نکته قابل توجه دیگر آن است که در بخش کشاورزی ارتباط با یک وقفه در حداکثر قرار گرفته و به تدریج اثر کاهش می یابد، اما در بخش های صنعت و معدن اثر تا پنج سال ادامه دارد و در سال پنجم به حداکثر می رسد و در بخش ساختمان نیز اثر تا چهار سال نیز ادامه داشته و در سال چهارم به حداکثر خود می رسد.

ب) همبستگی نسبت ارزش افزوده جاری بخش نفت و نسبت

ارزش افزوده واقعی بخش های اقتصاد به تولید ناخالص داخلی

همبستگی میان نسبت ارزش افزوده جاری بخش نفت و

نسبت ارزش افزوده واقعی بخش های اقتصاد به تولید ناخالص داخلی، رابطه میان رونق نفتی (ناشی از قیمت و مقدار تولید) و تولید سایر بخش های اقتصاد را نشان می دهد. همان طور که در جدول ۳ ملاحظه می شود تمام علائم ضرایب همبستگی طبق نظریه بیماری هلندی هستند. به عبارت دیگر رونق بخش نفت سبب افزایش تولید در بخش غیر قابل تجارت و کاهش تولید در بخش قابل تجارت می شود.

همچنین زیر ارتباط با وقفه میان متغیرهای مزبور را نیز نشان می دهد. اثر رونق نفتی بر بخش کشاورزی بعد از یک سال به اوج خود می رسد و به تدریج کاهش می یابد، اما اثر رونق نفتی بر بخش های صنعت معدن و ساختمان تا سال ها ادامه دارد. وقفه اثر گذاری رونق نفتی بر بخش های اقتصاد ناشی از وقفه اثر گذاری سرمایه گذاری بر ارزش افزوده بخش هاست. برای مثال در بخش صنعت رونق نفتی سبب کاهش سودآوری و در نتیجه کاهش سرمایه گذاری بخش می شود که اثر آن در ارزش افزوده سال های بعد نمایان می شود.

جدول ۲. ضریب همبستگی بین سهم ارزش افزوده جاری بخش های مختلف و سهم ارزش افزوده جاری بخش نفت در سال های (۱۳۸۵ - ۱۳۳۸)

وقفه	کشاورزی	صنعت	معدن	ساختمان
ارتباط بدون وقفه	-۰/۵۴	-۰/۲۱	-۰/۱۹	۰/۰۵
ارتباط با وقفه ۱	-۰/۵۶	-۰/۲۹	-۰/۱۷	۰/۲۷
ارتباط با وقفه ۲	-۰/۵۱	-۰/۳۹	-۰/۲۴	۰/۴۵
ارتباط با وقفه ۳	-۰/۴۷	-۰/۴۹	-۰/۳۱	۰/۵۳
ارتباط با وقفه ۴	-۰/۳۵	-۰/۵۶	-۰/۳۶	۰/۵۷
ارتباط با وقفه ۵	-۰/۲۱	-۰/۶۱	-۰/۴۲	۰/۵۶

داشته باشد. از دلایلی که می‌تواند موجب این نتیجه گمراه‌کننده شوند سیاست‌های پولی بانک مرکزی تحت رژیم چندگانه نرخ ارز است که در قسمت مربوط به رژیم نرخ ارز و بیماری هلندی در ایران توضیح داده می‌شود و دیگری عوامل غیراقتصادی مانند دفاع مقدس و تحریم است، اما از همه دلایل مهم‌تر، کاهش ارزش دلار است.

به عبارت دیگر در بررسی ارتباط میان قیمت نفت و تولید ناخالص داخلی بدون نفت واقعی باید ارز قیمت واقعی نفت استفاده کرد. با تقسیم قیمت نفت (به دلار) بر شاخص قیمت مصرف‌کننده آمریکا، قیمت واقعی نفت بدست می‌آید. ضریب همبستگی میان قیمت نفت واقعی و تولید ناخالص داخلی بدون نفت واقعی در دوره ۱۳۸۴ - ۱۳۵۹ برابر با ۰/۲۶- است و برای ارتباط بایک وقفه ۰/۴۲- است. همچنین ضریب همبستگی میان نرخ ارز واقعی و تولید ناخالص داخلی بدون نفت برای ارتباط بدون وقفه ۰/۳۶- و برای ارتباط بایک وقفه ۰/۳۹- است و با افزایش وقفه‌ها ارتباط قوی تری بدست می‌دهد (جدول ۴).

واردات گسترده

نمودار ۵ روند واردات گمرکی کالا و واردات کالا در تراز پرداخت‌ها را در سال‌های ۱۳۸۵-۱۳۳۸ نشان می‌دهد. واردات گمرکی کالا بر حسب سیف ۸ و واردات کالا در تراز پرداخت بر حسب فوب ۹ است. واردات گمرکی کالا بر حسب سیف شامل هزینه کالا، بیمه و هزینه حمل تا بندر مقصد می‌شود، در حالی که واردات کالا بر حسب سیف فقط شامل هزینه‌های کالا تا بندر مبدأ است. بنابراین واردات کالا بر حسب سیف باید بیشتر از فوب باشد، چون شامل هزینه بیمه و حمل تا بندر مقصد نیز می‌شود. اما همان‌طور که در نمودار نیز ملاحظه می‌شود در سال‌های ۱۳۸۲ تا ۱۳۸۵ واردات کالا بر حسب فوب بیشتر از واردات کالا بر حسب سیف است که دلیل آن واردات غیرگمرکی است.

همان‌طور که قبلاً ذکر شد از سال ۱۳۷۸ با افزایش قیمت نفت، نرخ ارز واقعی کاهش یافته و به عبارتی تقویت واقعی پول را شاهد بوده‌ایم در این نمودار نیز واردات از ۱۲/۴ میلیارد دلار در سال ۱۳۷۸ به حدود ۵۰ میلیارد دلار در سال ۱۳۸۵ رسیده است (۱۰/۳۷ برابر). این در حالی است که در سال‌های ۱۳۷۳ تا ۱۳۷۸ یک میلیارد دلار نیز افزایش نداشته است. به عبارت دیگر در دوره تقویت واقعی پول (دوره ۱۳۷۸ تا کنون) رشد سریع واردات را شاهد بوده‌ایم.

بررسی رشد واردات در سال‌های اخیر نشان می‌دهد که رشد واردات در سال‌های ۱۳۸۴ و ۱۳۸۵ نسبت به رشد سال‌های ۱۳۸۱ تا ۱۳۸۳ کاهش یافته است، اما این مطلب دلیلی برای رد بیماری هلندی

ج) همبستگی بین قیمت نفت واقعی و تولید ناخالص داخلی بدون نفت (به قیمت‌های ثابت)

ضریب همبستگی قیمت نفت و تولید ناخالص داخلی بدون نفت (به قیمت‌های ثابت) دوره ۱۳۸۴ - ۱۳۵۹ برابر با ۰/۳۸+ است. به عبارت دیگر افزایش قیمت نفت به افزایش تولید ناخالص داخلی بدون نفت منجر می‌شود، اما این مطلب مغایر با نتایجی است که تا به اینجا گرفته‌ایم. برای مثال همچنانکه در قسمت‌های قبل مشاهده کردیم افزایش نسبت ارزش افزوده جاری بخش نفت به کاهش نسبت ارزش افزوده واقعی بخش‌های کشاورزی، صنعت و معدن می‌انجامد، بنابراین افزایش قیمت نفت که سبب افزایش ارزش افزوده جاری بخش نفت می‌شود باید به کاهش تولید ناخالص داخلی بدون نفت به قیمت‌های ثابت منجر شود.

همان‌طور که در قسمت قبل ملاحظه کردیم رابطه به نسبت قوی منفی میان نرخ ارز واقعی و تولید ناخالص داخلی بدون نفت (به قیمت‌های ثابت) ۰/۳۶+ است. به عبارت دیگر از آنجا که رابطه میان نرخ ارز واقعی و قیمت نفتی منفی است و رابطه میان نرخ ارز واقعی و تولید ناخالص داخلی بدون نفت مثبت است، پس رابطه میان قیمت نفت و تولید ناخالص داخلی بدون نفت باید منفی باشد، اما چنان‌که گفته شد ضریب همبستگی میان قیمت نفت و تولید ناخالص داخلی بدون نفت مثبت است. پاسخ این معما این است که طبق تئوری بیماری هلندی، تغییر قیمت نفت اثر خود را بر نرخ ارز واقعی می‌گذارد و کاهش نرخ ارز واقعی (تقویت واقعی پول) به کاهش رقابت‌پذیری اقتصاد و در نتیجه کاهش تولید ناخالص داخلی بدون نفت می‌انجامد، اما اگر تغییر قیمت نفت به دلیل یا دلایلی به تغییر متناسب نرخ ارز واقعی منجر نشود، بررسی ارتباط مستقیم قیمت نفت و تولید ناخالص داخلی بدون نفت (به قیمت‌های ثابت) می‌تواند نتیجه‌ای گمراه‌کننده

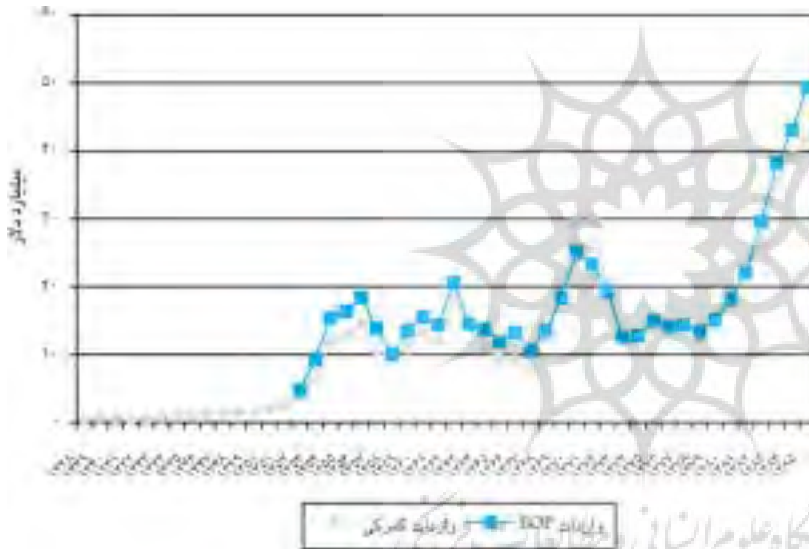
جدول ۳. ضرایب همبستگی بی نسبت ارزش افزوده جاری بخش نفت و نسبت ارزش افزوده واقعی بخش‌های اقتصاد به تولید ناخالص داخلی در سال‌های (۱۳۸۵ - ۱۳۳۸)

وقفه	کشاورزی	صنعت	معدن	ساختمان
ارتباط بدون وقفه	-۰/۷۲	-۰/۱۴	-۰/۰۷	۰/۱۵
ارتباط با وقفه ۱	-۰/۷۶	-۰/۱۷	-۰/۰۸	۰/۳۱
ارتباط با وقفه ۲	-۰/۷۴	-۰/۲۲	-۰/۱۱	۰/۴۶
ارتباط با وقفه ۳	-۰/۷۰	-۰/۲۶	-۰/۱۵	۰/۵۶
ارتباط با وقفه ۴	-۰/۶۲	-۰/۳۰	-۰/۱۸	۰/۶۵
ارتباط با وقفه ۵	-۰/۵۲	-۰/۳۳	-۰/۲۰	۰/۶۲

جدول ۴. ضرایب همبستگی قیمت نفت، نرخ ارز و تولید ناخالص داخلی بدون نفت

وقفه	ضریب همبستگی بین نرخ ارز واقعی و تولید ناخالص داخلی بدون نفت واقعی (۱۳۳۸-۱۳۸۵)	ضریب همبستگی بین قیمت نفت واقعی و تولید ناخالص داخلی بدون نفت واقعی (۱۳۵۹-۱۳۸۴)
ارتباط بدون وقفه	۰/۳۶	-۰/۲۶
ارتباط با یک وقفه	۰/۳۹	-۰/۴۲
ارتباط با دو وقفه	۰/۴۳	-۰/۴۸
ارتباط با سه وقفه	۰/۴۷	-۰/۵۳
ارتباط با چهار وقفه	۰/۵۲	-۰/۶۰
ارتباط با پنج وقفه	۰/۵۷	-۰/۶۷

نمودار ۵ - روند واردات کالا در ایران



نیست و دلیل آن می تواند کاهش رشد اقتصادی کشور باشد. جدول ۵ رشد تولید ناخالص داخلی به قیمت بازار (به قیمت های ثابت)، رشد واردات کمرگی کالا و رشد واردات کالا در تراز پرداخت ها را نشان می دهد.

ترکیب واردات بر اساس نوع مصرف طبق طبقه بندی بانک مرکزی ۱۱ رونده فزاینده سهم واردات کالاهای مصرفی از کل واردات گمرکی کالا را نشان نمی دهد، به طوری که از ۸ درصد در سال ۱۳۸۰ به ۱۲ درصد در سال ۱۳۸۴ افزایش یافته است. همچنین مقایسه میانگین رشد واردات کالا بر اساس نوع مصرف در سال های

و میانگین رشد واردات مواد اولیه و کالاهای واسطه ۱۹۷۳ درصد بوده است. این آمار نشان می دهند که ترکیب واردات کالا به نفع واردات کالاهای مصرفی بوده است.

د) سهم اندک صادرات غیر نفتی از کل صادرات (سهم بالای صادرات نفتی از کل صادرات کالا)

بررسی سهم صادرات نفت و گاز از صادرات کالا در تراز پرداخت ها نشان می دهد که بیش از ۸۰ درصد از صادرات کالا در ایران را نفت و گاز تشکیل می دهد که وابستگی شدید درآمدهای ارزی به صادرات این دو محصول را نشان می دهد (در سال ۱۳۸۵ سهم صادرات نفت و گاز از کل صادرات ۸۳ درصد بوده است). بالا بودن سهم صادرات نفت و گاز از صادرات کالا به معنی پایین بودن سهم صادرات غیر نفتی از کل صادرات است.

۱۳۸۴-۱۳۸۰ نشان می دهد میانگین رشد واردات کالاهای مصرفی ۳۲/۹ درصد، میانگین رشد واردات کالاهای سرمایه ای ۲۶/۳ درصد

جدول ۵. رشد تولید ناخالص داخلی به قیمت های بازار (به قیمت های ثابت) و رشد واردات طی سال های ۱۳۸۵ - ۱۳۸۱ (درصد)

سال	رشد تولید ناخالص داخلی	رشد واردات کمرگی کالا	رشد واردات کالا در BOP
۱۳۸۱	۱۰/۴	۲۶/۴	۲۱/۶
۱۳۸۲	۷/۷	۱۹/۴	۳۴/۱
۱۳۸۳	۹/۱	۳۳/۱	۲۹/۲
۱۳۸۴	۷	۱۰/۹	۱۲/۸
۱۳۸۵	۶/۱	۶/۳	۱۴/۴